

حقوق زندانیان در حقوق بشر

میرمهران سید جلیلی سقزچی

دکترای حقوق تجارت بین الملل از دانشگاه نورث وست

چکیده

حقوق زندانیان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رعایت اصول بنیادین حقوق بشر و کرامت انسانی در نظام‌های کیفری است. این حقوق که بر مبنای اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قواعد استاندارد حداقل سازمان ملل متحد تبیین شده‌اند، شامل تضمین شرایط انسانی نگهداری، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، امکان آموزش و حمایت‌های قانونی می‌باشد. علی‌رغم پیشرفت‌های حقوقی، مطالعات میدانی و گزارش‌های متعدد از نقض گسترده این حقوق در بسیاری از نظام‌های زندان خبر می‌دهند که نه تنها سلامت جسمی و روانی زندانیان را تهدید می‌کند بلکه موجب تضعیف اعتماد عمومی به عدالت کیفری می‌گردد. این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل اسناد حقوقی و منابع علمی، بر ضرورت بازنگری قوانین ملی، تقویت نهادهای نظارتی مستقل، و توسعه برنامه‌های آموزشی و حمایتی تأکید می‌ورزد. همچنین، بر رویکردهای بازتوانی و اصلاحی به عنوان راهکاری کارآمد برای ارتقاء کرامت زندانیان و تضمین حقوق آنان تأکید می‌شود. در نهایت، تحقق عملی حقوق زندانیان به مثابه رکن اساسی نظام حقوق بشر، پیش‌شرطی ضروری برای برقراری عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق زندانیان، عدالت اجتماعی

مقدمه

حقوق بشر همواره به عنوان یکی از بنیادین‌ترین اصول در نظام‌های حقوقی و اخلاقی جهان شناخته شده است که کرامت انسانی و حرمت فرد را محور قرار می‌دهد. در این گستره، موضوع حقوق زندانیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که این گروه از افراد، به دلایل مختلفی از جمله ارتکاب جرم، از آزادی‌های اولیه خود محروم شده‌اند و به همین دلیل نیازمند تضمین‌هایی هستند تا شأن انسانی و حقوق بنیادین آن‌ها حفظ شود. جامعه بین‌المللی با پذیرش منشورها و معاهدات متعدد، بر لزوم رعایت حقوق زندانیان به عنوان بخشی از حقوق بشر تأکید نموده است.

زندانیان، هرچند که در محدودیت‌های آزادی به سر می‌برند، ولی همچنان دارای حقوقی هستند که باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد. این حقوق نه تنها به منظور حفاظت از کرامت انسانی آن‌هاست بلکه به هدف بازپروری، کاهش بازگشت به جرم و همچنین حفظ نظم و امنیت زندان‌ها تدوین شده است. به همین جهت، شناخت دقیق و علمی این حقوق و بررسی تطبیقی آن‌ها در نظام‌های مختلف حقوقی، می‌تواند به بهبود شرایط زندان‌ها و ارتقاء سطح حقوق بشر در جوامع کمک شایانی نماید.

در گستره حقوق بشر، توجه به وضعیت زندانیان دارای اهمیت دوگانه است؛ از یک سو به دلیل شرایط محدودیت که ممکن است زمینه سوءاستفاده و نقض حقوق را فراهم آورد و از سوی دیگر به دلیل نقش این حقوق در فرآیند اصلاح و بازتوانی فردی. بررسی دقیق و علمی این حقوق، چارچوبی روشن برای برخورد با زندانیان ایجاد می‌کند که می‌تواند از بروز هرگونه رفتار غیرانسانی جلوگیری کند و همچنین موجب تقویت اعتماد جامعه به سیستم قضایی و انتظامی شود.

در نظام‌های مختلف حقوقی جهان، تعاریف و ضمانت‌های متفاوتی برای حقوق زندانیان وجود دارد. این تفاوت‌ها گاه ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده و گاه به دلیل تفسیرهای مختلف از اصول حقوق بشر است. در این راستا، مقایسه و تحلیل تطبیقی این نظام‌ها، می‌تواند به فهم بهتر وضعیت حقوق زندانیان کمک کرده و راهکارهای بهینه‌ای را در جهت ارتقاء شرایط موجود پیشنهاد دهد.

از طرفی، اسناد بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، قواعد استاندارد حداقل سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا) و کنوانسیون‌های مختلف، چارچوبی جهانی برای حمایت از حقوق زندانیان فراهم آورده‌اند. این اسناد، تلاش می‌کنند تا حداقل استانداردهایی را برای حفاظت از زندانیان در برابر هرگونه رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز تضمین کنند.

بررسی حقوق زندانیان در پرتو حقوق بشر، همچنین به موضوعات حساسی مانند ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ظالمانه، حق برخورداری از خدمات درمانی، آموزش و بازپروری، حق ملاقات و ارتباط با خانواده و دسترسی به عدالت می‌پردازد. این حقوق پایه و اساس تضمین یک زندگی انسانی در شرایط محدودیت را شکل می‌دهند و توجه به آن‌ها نشانه بلوغ و پیشرفت یک نظام حقوقی است.

علاوه بر این، شرایط خاص زندان‌ها و تاثیرات روانی و جسمی بازداشت طولانی‌مدت، اهمیت توجه به حقوق زندانیان را دوچندان می‌کند. رفتار انسانی و قانونی با زندانیان نه تنها به حفظ سلامت آن‌ها کمک می‌کند بلکه زمینه بازگشت موفق آن‌ها به جامعه را نیز فراهم می‌آورد. بنابراین، پرداختن به این موضوع از منظر حقوق بشر، نقشی اساسی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء امنیت عمومی دارد.

در جوامع مختلف، چالش‌های متعددی در زمینه رعایت حقوق زندانیان وجود دارد که می‌تواند ناشی از کمبود منابع، فقدان قوانین مناسب، یا حتی مسائل فرهنگی و اجتماعی باشد. پژوهش در این حوزه می‌تواند ضمن شناسایی این مشکلات،

راهکارهایی عملی و علمی برای بهبود وضعیت زندانیان ارائه دهد و به نهادهای مربوطه کمک کند تا سیاست‌های خود را بر پایه احترام به حقوق بشر و کرامت انسانی تنظیم نمایند.

همچنین، نگرش عمومی نسبت به زندانیان و حقوق آن‌ها نقش بسزایی در اجرای درست این حقوق دارد. آگاهی‌بخشی و آموزش جامعه نسبت به اهمیت رعایت حقوق زندانیان می‌تواند به کاهش تبعیض‌ها و برخوردهای ناعادلانه کمک کند و زمینه را برای اصلاحات بنیادی‌تر فراهم آورد.

با توجه به تغییرات روزافزون در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، همچنین پیشرفت‌های علمی و فناوری، ضروری است که نگاه به حقوق زندانیان نیز به‌روزرسانی شده و با شرایط جدید تطبیق داده شود. این امر مستلزم تحقیق مستمر و نقادی علمی است تا بتوان از تجربیات گذشته درس گرفت و در راستای بهبود وضعیت حقوق زندانیان گام برداشت.

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه حقوق زندانیان در چارچوب حقوق بشر، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل حقوق بنیادین این گروه از افراد، چالش‌ها و فرصت‌های موجود را شناسایی کند و پیشنهادهایی عملی برای تقویت این حقوق ارائه نماید. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که احترام به حقوق زندانیان، نشانه‌ای از توسعه فرهنگی، انسانی و حقوقی هر جامعه است. در نهایت، رعایت حقوق زندانیان نه تنها به نفع خود آن‌ها بلکه به سود کل جامعه و نظام عدالت است، زیرا جامعه‌ای که به کرامت انسانی همه اعضای خود احترام بگذارد، پایه‌های قوی‌تری برای صلح، امنیت و پیشرفت دارد. به همین دلیل، شناخت و حمایت از حقوق زندانیان باید همواره در صدر اولویت‌های حقوق بشر قرار گیرد.

رویکردهای بشر گرایانه

بشرگرایی قانون محور

آزادی مشروط نوعی آزادی است که در صورت وجود شرایط قانونی میتوان آن را اعمال کرد. (Duff & garland, ۱۹۹۰). البته آزادی مشروط و نیمه آزادی همانطور که از نام آنها بر می آید درباره مجازات حبس هستند و درباره سایر مجازاتها نمی توان آنها را اعمال کرد.

گاهی مجرم قبل از خاتمه دوران محکومیت، اصلاح میشود و دیگر به فکر ارتکاب جرم نمی افتد. در این حالت دیگر نیازی نیست که بقیه مدت محکومیت خود را در زندان به سر ببرد، چراکه هدف از مجازات که همان اصلاح و بازسازی فرد محکوم است، فراهم شده و به طور منطقی، دلیلی بر ادامه حبس وجود ندارد به همین دلیل شایسته است زندانی به صورت مشروط آزاد شود و اگر در دوران، آزادی مرتکب جرم جدیدی نشود و به توصیه و دستورات دادگاه عمل کند، آزادی مشروط او قطعی شود. گرامرودی ۱۳۸۶ (۴۶) در غیر این صورت، مجدداً روانه زندان می شود تا مابقی دوران محکومیت را تحمل کند. در واقع آزادی مشروط مرحله جدیدی بین زندان و آزادی کامل و حداقل متضمن این مزایاست که محکومان به جرائم، ضمن اقامت کم و بیش طولانی در محیط زندان به کمک برنامه های اصلاحی و تربیتی به تدریج آماده بازگشت به جامعه شوند و در نتیجه از خطراتی که ورود بدون قید و شرط و ناگهانی یک زندانی به جامعه را به وجود می آورد جلوگیری میکند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۳).

کسانی که در حال گذراندن دوران محکومیت خود هستند براساس ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی میتوانند با شرایطی از آزادی مشروط استفاده کنند در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم میتواند در مورد محکومان به حبس بیش

از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط ذکر شده در ماده حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

قانونگذار در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی عنوان میکند مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات میشود.

دو نوع عفو عمومی و خاص وجود دارد. عفو عمومی به موجب قانون اعطا میشود و از موجبات لغو تعقیب است و عفو خصوصی که فقط ناظر به مجازات و از موجبات لغو آن است، در جمهوری اسلامی ایران با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری صورت میگیرد که با توجه به ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی عفو محکومان پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است. طبق ماده ۹۷ همین قانون عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف میکند، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل میشود با توجه به ماده ۹۸ ق.م.ا عفو خصوصی همه آثار محکومیت را منتفی میکند؛ لیکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.

بشرگرایی در چارچوب مقررات فروتقنینی

در خصوص اعطای مرخصی ارفاقی به زندانیان گفتنی است اگر زندانی پس از تحمل حداقل ۲ ماه از محکومیت حبس به تشخیص مسئول زندان مربوطه از شخصیت و اخلاق و رفتار مناسبی برخوردار باشد رئیس حوزه قضائی و یا قاضی ناظر زندان دادرسی نظامی میتواند هر ماه در قبال اخذ تأمین لازم حداقل ۵ روز به طور پیوسته یا ناپیوسته به او مرخصی اعطا کند و در صورت احساس نیاز بیشتر این مرخصی تا حداقل ۵ روز دیگر در هر ماه قابل تمدید است. رئیس زندان یا قاضی زندان میتوانند به زندانیان زندانهای باز و مشغول به کار در زندانهای بسته، نیمه باز و مجتمع های حرفه آموزی و کادر درمانی (اردوگاه) هر پانزده روز یک بار حداکثر ۴۸ ساعت مرخصی اعطا کند قاضی ناظر زندان دادرسی نظامی نیز میتواند به مناسبت عید نوروز و اعیاد اقلیت های دینی رسمی کشور به زندانیان محکوم حداکثر هفت روز مرخصی اعطا کند. در اجرای ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری محکوم در صورت رعایت ضوابط و مقررات مؤسسه کیفری مشارکت در برنامه های اصلاحی و تربیتی و کسب حداقل یک صد نمره از درجه اعتباری لازم، مطابق دستورالعمل موضوع تبصره ۵ ماده ۸۰ این آیین نامه، پس از اعلام شورای طبقه بندی ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار میشود؛ معیارهای درجه اعتباری در خصوص مرخصی در این آیین نامه ذکر شده است.

طبق قانون زندانی حق خواهد داشت که با پدر مادر، همسر، برادر خواهر و فرزندان خود ملاقات داشته باشد که این ملاقات میتواند به صورت هفتگی یا ماهانه صورت پذیرد. در این صورت نکته مهم این است که شخص زندانی از خود حسن رفتار و معاشرت نشان دهد و ثابت کند که اصول اخلاقی را رعایت میکند و هر چند مرتکب جرم شده است یا در مظان ارتکاب جرم یعنی در مرحله تحقیقات مقدماتی است اما این به منزله بی اخلاقی و بی موالاتی شخص زندانی نیست، بلکه ممکن است همین که شخص محکوم به حبس شود همین حبس باعث تأدیب او شود و رفتار مجرمانه خود را تغییر دهد و رفتارهای ضد اجتماعی خود را کنار بگذارد. به عنوان نتیجه بایستی گفته شود که هر چند کسی که به حبس محکوم شده این حبس در غالب موارد به علت ارتکاب جرم است، اما از آنجایی که انسانها موجودات اجتماعی و عاطفی هستند ضرورت دارد مراعات حال ایشان بشود و بستگان و خویشان آنها بتوانند با شخص زندانی ملاقات داشته باشند. چنانچه زندانی حسن رفتار و کردار داشته باشد میتواند با افراد مذکور به صورت حضوری ولی با حضور مأمور ملاقات داشته باشد.

دسته های گوناگون زندانیان باید در زندانهای جدا یا بخشهای جداگانه زندان با توجه به جنسیت، سن، نوع جرم و... نگهداری شوند؛ بنابراین مردان و زنان تا حد امکان باید در زندانهای جداگانه نگهداری شوند (عبدی، ۱۳۷۷: ۷۹-۸۰).

رویکردهای اصلاحی - درمانی

محورهای نظری اشتغال و مهارت آموزی

یافتن راهی برای تأمین معاش، مهمترین بخش توانایی زندانی برای الحاق مجدد به اجتماع هنگام آزادی از زندان است. زندان ممکن است نخستین فرصت برای بسیاری از زندانیان جهت فراگیری مهارت های فنی و حرفه ای و انجام کار منظم باشد. نوع و کیفیت برنامه ها و فعالیتهای زندانیان و سطح دسترسی آنان به این امکانات موفقیت ورود مجدد این افراد را به اجتماع تقویت میکند. فعالیتهایی که برای زندانیان در نظر گرفته میشود بایستی آنان را قادر سازد که به زندگی خود پس از آزادی ادامه دهند.

بررسی ها نشان میدهد که استخدام بدون تأخیر پس از آزادی یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از بازگشت به ارتکاب جرم است که ثمره آن برقراری پیوندهای قوی با خانواده و حمایت خانوادگی است. هدف اصلی از الزام زندانیان به کار آماده کردن آنان برای یک زندگی ساده کاری عادی هنگام آزادی از زندان است و هدف تحصیل منافع مادی سازمان زندانها یا گرداندن چرخ های کارخانه های متعلق به دولت نیست باید به خاطر داشت که اشتغال تنها یکی از عناصر توان بخشی اجتماعی است. پاسخ کامل مستلزم فرصتهایی جهت توسعه مهارتهای لازم برای بازگشت به جامعه است. هر جامعه مهارتهای مختلفی را اقتضا میکند.

در یک نگاه کلی میتوان اهمیت اشتغال در زندان را این گونه ذکر کرد؛ پر کردن اوقات فراغت زندانیان، چراکه اوقات فراغت و بیکاری زیاد به طور قطع زمینه ساز و موجب بروز اختلال روانی و رفتاری میشود. همچنین اشتغال موجب صرف نیروی اضافی، تولید و درآمد میشود. در واقع آثار عمده یزینار بیکاری فقط جنبه اقتصادی ندارد، بلکه پای اختلافهای روانی روحی و انحرافات رفتاری بیشتر در میان است. هر جا صحبت از انحراف، اجتماعی اختلال روانی یا انحراف رفتاری در میان باشد، نداشتن شغل و بیکاری به عنوان یکی از شاخصهای بسیار مهم مطرح میشود. هدف دیگر کار القای اعتماد به نفس و مهارت انجام یک کار هدفمند به زندانیان است که در این صورت آنها احساس میکنند به نحوی آموزش میبینند که از دوران محکومیتشان احتمال پس استخدامشان بیشتر خواهد بود. این بدان معناست که کار زندان باید در ارتباط با آموزش برخی مهارتهای کاری به زندانیان باشد؛ مهارتهایی که آنها را قادر به تحصیل صلاحیتهای لازم جهت کار در مشاغل سنتی مثل، بنایی، تعمیرات تأسیسات کارپردازی و مزرعه داری میسازد. این گونه آموزشهای حرفه ای برای زندانیان جوانتر اهمیت خاصی دارد؛ در طراحی چنین برنامه هایی آگاهی از نوع فرصتهای اشتغال موجود در جامعه محلی پس از آزادی زندانی اهمیت خاصی دارد.

در بسیاری از کشورها سازمانهای زندانها به سختی قادر به تعیین کار کافی برای زندانیان هستند که شیوه های متنوعی برای مواجهه با این مشکل وجود دارد. در برخی نظام های قضائی، سایر وزارتخانه های دولتی به ارائه ُ بعضی کارها به سازمان زندانها ملزم هستند که ممکن است از طریق قراردادهای دولتی داخلی صورت گیرد برای مثال در آفریقای جنوبی تمامی اسباب و اثاثیه لازم برای نهادهای متولی ارائه خدمات مدنی توسط زندانیان ساخته میشود.

در بسیاری موارد کارکنان زندان میتوانند در یافتن کارهای هدفمند برای زندانیان خلاقیت خود را به کار گیرند؛ برای مثال زندانیان منتخب میتوانند از طریق کار با کارکنان مسئول نگهداری و تعمیر بناها و تأسیسات زندان مهارتهای مفیدی را بیاموزند چنانچه زندان دارای زمین باشد زندانیان می توانند تحت نظارت به کشت و زرع در آن بپردازند و غذای خود و دیگران را فراهم کنند. زندانیان در برخی امور ضروری روزمره مثل امور آشپزخانه و نظافت نیز میتوانند شرکت کنند.

خوداشتغالی چه به صورت فردی و چه به صورت تعاونیهای کوچک میتواند گزینه مناسبی برای برخی زندانیان در شرف آزادی باشد (ولیدی، ۱۳۷۶: ۱۵۰-۱۶۷).

زندانین میتوانند از مهارتهای قبلی خود در زمینهٔ ساخت وسایل قابل عرضه به بازار جهت فروش استفاده کنند و در عین حال بر این مهارتها بیفزایند چنین کاری پس از آزادی زندان نیز میتواند ادامه یابد و زندانی سابق را در معرض تبعیض قرار نمیدهد در سالهای اخیر بخش خصوصی و مؤسسات صنعتی تمایل بسیاری به تأمین کار برای زندانیان داشته اند. در چنین صورتی، مقامات زندان باید مطمئن شوند که از زندانیان تنها به منظور منبعی جهت کار با دستمزد کم و یا به منظور کاهش دستمزد کارگران محلی بهره برداری نشود. در چنین مواردی پرداخت دستمزد کامل به زندانیان ضروری است. اگر بنا باشد که تجربه کار در زندان زندانیان را برای زندگی پس از آزادی آماده کند و از سویی زندانیان تنها به عنوان کار اجباری نگریسته نشود پرداخت نوعی دستمزد در برابر کار آنها اهمیت دارد پرداخت دستمزد میتواند شکلهای گوناگونی داشته باشد؛ یکی از سازنده ترین شیوههای پرداخت دستمزد برابر با کارگر مشابه در بیرون از زندان به زندانی است. در این صورت از آنها انتظار میروود بخشی از پول خود را صرف خانواده شان کنند. در برخی موارد بخشی از آن صرف ترمیم بزه ارتكابی شان خواهد شد و بخشی نیز برای زمان آزادی پس انداز خواهد شد. تشابه شرایط کاری زندانیان از حیث، بهداشت، ایمنی آسیبها و بیماریهای کاری با محیطهای کاری جامعه عمومی اهمیت دارد این امر نشانگر آن است که مقامات زندان باید از قوانین ملی ناظر بر بهداشت و ایمنی کار آگاه باشند و رعایت آنها در مجموعه زندان را تضمین کند. چنین تضمیناتی در خصوص حداکثر ساعات کار زندانیان نیز باید رعایت شود ساعت کاری نباید بیش از حد باشد و زمان برای مشارکت زندانیان در سایر فعالیتهای نیز باید باقی بماند همچنین به منظور حمایت از زندانیان پس از خروج از زندان به منظور کنترل احساسات و واکنشهای منفی جامعه نسبت به این قبیل افراد، «مرکز مراقبت بعد از خروج سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» در مرکز استانهای کشور در سال ۱۳۷۸ با هدف جلوگیری از بازگشت مجدد زندانیان به زندانها و حمایت مادی و معنوی زندانیان و خانواده های آنها تأسیس شد. اصلاح بعد از خروج به دورهٔ زمانی پس از حبس بر می گردد. هدف از ملاحظات پس از خروج به حداقل رساندن میزان ارتكاب مجدد جرم توسط زندانیان از طریق مدیریت خطر و ارتقای خدمات توانبخشی است. براساس ماده یک آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از تکرار جرم از طریق حمایت مادی و معنوی و فراهم کردن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی است. همچنین در ماده ۳ این آیین نامه اهم وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج، کارآموزی، اشتغال، ازدواج ادامه تحصیل تأمین مسکن، اعطای تسهیلات بانکی و ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزشی بهداشت و درمان اجتماعی، حقوقی و فرهنگی مذهبی است. با ملاحظه در مفاد آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، می توان به این نتیجه رسید که مهم ترین هدفی که چنین مراکزی برای آن برپا شده است اشتغالزایی برای زندانیان و خانواده هایشان و است. بحث اشتغالزایی برای مددجو از اهم وظایف مرکز مراقبت بعد از خروج است؛ یعنی ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی و فراهم آوردن شغل و پیشینه برای مددجو از طریق اعطای وام. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که تسهیلات اعطایی به زندانیان از جرائم بعدی آنان تا حد زیادی آن جلوگیری میکند مددجویانی که قبل از گرفتاری به شغل و پیشهٔ خاص اشتغال داشته اند و در شغل صاحب تجربه کاری و حرفه ای هستند طبیعتاً بعد از آزادی و تأمین منابع مالی مورد نیاز برای

آغاز مجدد اشتغال، گرایش بالایی به ایجاد شغل دارند که در آن از گذشته تجربه حرفه ای لازم را کسب کرده اند بنابراین هدایت و حمایت مددجویان به شغل مورد علاقه شان در قالب اعطای تسهیلات کافی میتواند نقش تعیین کننده ای در کارایی وام اعطایی به آنان داشته باشد. پرداخت وام با نظارت مراکز مراقبت بعد از خروج به مددجویان میتواند در کاهش تکرار جرم و

موفقیت در ایجاد اشتغال سالم و در بهبود وضعیت مددجویان مؤثر باشد. متأسفانه به علت شرایط اقتصادی کشور این مرکز توفیق آن چنانی در پرداخت وام به زندانیان آزاد شده به دست نیاورده است. در خصوص اهمیت پرداخت به موقع وام و نظارت بر اشتغال زندانی آزاد شده توسط مراکز مراقبت بعد از خروج باید به این نکته توجه کرد که با توجه به دیدگاه منفی مردم نسبت به زندانیان، معمولاً زندانی پس از بازگشت از زندان به علت حس بدبینی موجود در جامعه به آسانی در میان گروه های اجتماعی و کاری پذیرفته نمیشود و صاحبان مشاغل حاضر به ارجاع کار به این افراد نیستند. این سوء پیشینه از موانع مهم عدم اشتغال مجدد زندانیان آزاد شده و عامل سرخوردگی اجتماعی و نیز عامل تمایل مجدد آنان به ارتکاب جرم است. بنابراین مجرمان پس از ترخیص از زندان نیاز به پشتیبانی و حمایت های سازمان یافته ای دارند تا مجدداً به سمت جرم کشیده نشوند. همچنین اعطای وام خوداشتغالی با هدایت و هماهنگی مراکز مراقبت بعد از خروج یکی از این راه هاست که می تواند نقش مؤثری در اصلاح و تربیت زندانی آزاد شده و جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد.

یکی دیگر از وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج که قبلاً به آن اشاره شد رایزنی با ادارات و ارگانها و نهادهای از جمله کمیته امداد جهاد کشاورزی، بهزیستی اداره کار و رفاه اجتماعی، فرمانداری، استانداری اداره، تعاون سازمان حمل و نقل پایانه ها و غیره و معرفی مددجویان واجد شرایط جهت اشتغال و اخذ تسهیلات ویژه است. با توجه به یافته ها، مراکز مراقبت پس از خروج از زندان بر شغل یابی زندانیان تأثیر معنی داری ندارد، لذا میتوان نتیجه گرفت که از دید زندانیان مراکز مراقبت پس از خروج از زندان از مواردی است که در فرایند اشتغال آنان تأثیر مثبت دارد، اما معنیدار نیست. در اسناد بین المللی نیز به بحث اشتغال اشاره شده است. طبق ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شق الف بند ۳ را نمیتوان به گونه ای تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با انجام کار سخت است این ماده مانع اجرای حکم صادره از دادگاه صالحی شود که یک چنین مجازاتی را تجویز کرده است. در قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان یک سری نکات در خصوص کار در زندان قابل تأمل است قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان، قاعده (۷۶۷۱) کار اجباری به طور کلی ممنوع است. با وجود این، اسناد بین المللی تصریح میکنند که کار انجام شده توسط زندانیان به خودی خود تحت این عنوان قرار نمیگیرند. زندانیان محکوم را میتوان با در نظر گرفتن برخی تضمین ها به کار مجبور کرد. این تضمین ها عبارت اند از اینکه کار باید هدفمند باشد؛ کار باید به آنها کمک کند تا مهارتهایی را فرا گیرند که پس از آزادی برایشان مفید باشد؛ به زندانیان باید در ازای کار دستمزد پرداخت شود؛ شرایط کار باید تا حد زیادی مشابه کار در بیرون از زندان باشد به ویژه از لحاظ الزامات بهداشتی و ایمنی کار؛ ساعات کار نباید بیش از اندازه باشد و وقت برای سایر فعالیتهای نیز باقی بماند.

به نظر میرسد زندانیان نباید مجبور باشند روزهای خود را با بیهودگی و یک نواختی سپری کنند. این هم برای سلامتی شخصی آنها و هم برای اداره بی دردسر زندان اساسی است. احتمال افسردگی و اخلاگری در مورد زندانیان فاقد مشغولیت بیشتر است اگرچه دلایل مثبت دیگری را نیز می توان جهت تدارک کارهای هدفمند برای زندانیان مطرح کرد. برخی افراد به دلیل نداشتن هیچ گونه درآمد مشروع و اغلب به سبب نیافتن کار به سمت فعالیتهای مجرمانه کشیده میشوند. شاید به این دلیل باشد که آنها هرگز یک کار ثابت را تجربه نکرده اند، پس هرگز انضباط لازم برای تبعیت از رویه منظم روزانه را فرا نگرفته اند ممکن است به این سبب نیز باشد که آنها مایل به کار کردن بوده اند، اما مهارت ها و آموزشهای لازم برای استخدام دائمی را نداشته اند. طبق اسناد حقوقی بین المللی آموزش نباید به عنوان یک گزینه تکمیلی در فهرست فعالیتهای زندانیان در نظر گرفته شود برعکس آموزش در دل دیدگاه جامعه مربوط به استفاده از دوره زندان به عنوان فرصتی جهت کمک به زندانیان برای بازسازی مثبت زندگیشان جای می گیرد. آموزش پیش از هر چیز باید معطوف به نیازهای پایه، باشد به گونه

ای که همه زندانیان با هر مدت محکومیت بتوانند خواندن نوشتن و انجام محاسبات ریاضی پایه را بیاموزد و این مهارتها به آنها برای حبس بقا در جهان نوین کمک کند.

آموزش باید از یادگیری این مهارتهای پایه فراتر رود آموزش در کاملترین مفهوم آن باید با در نظر گرفتن سوابق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندانی در پی پیشرفت همه جانبه شخص باشد. بنابراین باید شامل دسترسی به کتاب کلاس و فعالیتهای فرهنگی مثل موسیقی، تئاتر و هنر باشد. این نوع فعالیتهای نباید صرفاً به عنوان فعالیتهای تفریحی نگریسته شوند، بلکه باید معطوف به تشویق زندانی جهت پیشرفت او به عنوان یک فرد باشند.

در عین حال زندانیان باید بتوانند از وقایعی که در جامعه مدنی روی میدهد، خواه در جامعه محل زندگیشان و خواه در کل جهان باخبر باشند؛ که به نظر میرسد راهی برای کاستن از شرایط نامتعارف تجربه زندان است بنا به همه این دلایل زندانیان باید تا حد امکان به کتاب، روزنامه نشریات رادیو و تلویزیون دسترسی داشته باشند (قواعد) حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان قاعده (۳۹).

آنچه ضروری است یک برنامه متعادل از فعالیتهای کاری و فراگیری مهارتهای حرفه ای، آموزشی، فرهنگی پرورش جسمانی است. تمامی عناصر این برنامه باید در سطوح گوناگون در تمامی زندانها فراهم شود هر چند که توازن دقیقشان میتواند بنا بر سن، تواناییها و نیازهای زندانیان متفاوت باشد. برخی زندانیان، به ویژه جوان ترها ممکن است نیازمند آموزش در طول روز باشند، گویی که به مدرسه میروند، برای سایرین امکان این آموزش میتواند هنگام عصر و پس از یک روز کاری عادی فراهم شود در سایر شرایط ممکن است زندانیان نیمی از روز را به کار بپردازند و نیمی دیگر را صرف فعالیتهای آموزشی کنند. هنگامی که این کار کافی برای مشغولیت تمام وقت همه زندانیان وجود ندارد چنین چیزی نامتعارف نیست. همواره یکی از مشکلات مهم و درگیر مراکز تأمینی - تربیتی که تا حد زیادی هزینه بر و اتلاف کننده سرمایه انسانی - اقتصادی است تحمیل هزینه بازگشت زندانیان آزاد شده به جرم سابق یا جدید و اعاده آنها به زندانهاست به طوری که مطالعه آماری پیشینه کیفری زندانیان به راحتی نشان دهنده بالا بودن میزان بازگشت به جرم در زندانهاست. به علاوه از مسائل مهم برای زندانیان آزاد شده، جدایی کوتاه مدت یا دراز مدت قبلی آنها از ساختارهای کلان جامعه بوده که با نوعی شکاف و جدایی اجتماعی و اقتصادی همراه است. این شکاف و فقر ارزشی و مالی را میتوان بستری برای بازگشت به جرم در آن دانست؛ به عبارت دیگر یکی از دلایل روی آوردن زندانیان بعد از آزادی به جرم، نداشتن شغل و اعتبار اجتماعی است به همین منظور آموزش مهارتهای شغلی و اشتغال در داخل زندان و به دنبال آن اتخاذ تدابیر و برنامه های علمی در خصوص اشتغال زندانیان آزاد شده و توانمند کردن آنان در خوداشتغالی میتواند گامی مؤثر در عدم بازگشت مجدد آنان به زندان و نهایتاً کاهش جمعیت کیفری را در برداشته باشد.

باید توجه داشت، آموزش اشتغال استخدام سیاستهای پیشگیری از جرم ازجمله تدابیر جامع و متناسبی است که دولتها با شرایط و وضعیت قلمرو خود میتوانند در کاهش جمعیت کیفری اتخاذ کنند ایجاد همکاری و ارتباط میان نهادهای دولتی و سازمانهای مدنی و اجتماعی غیر دولتی و بخش خصوصی میتواند دولتها را در تحقق این امر یاری رساند. اهداف اشتغال به کار زندانی یکی از مسائل مهم برای حرفه آموزی و نفوذ در زندانی برای ابراز ندامت و پشیمانی از عمل گذشته خود و آماده کردن زندانیان برای بازگشت به آغوش اجتماع است. استقرار نظم در زندان و همچنین جنبه های اقتصادی کار زندانیان از دیگر اهداف این مسئله است.

لذا تمرکز بر طراحی مدل و فرایندی برای اشتغال زایی خانواده زندانیان بیکار، کم درآمد و محروم می تواند زمینه بسیار مناسبی برای تداوم معیشت خانواده زندانیان در نبود سرپرست خانوار و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی مبتلابه باشد. در این راستا گامهای سازمان زندانها و سایر ارگانهای امور تربیتی میتواند نقش تعیین کننده ای را ایفا کند.

اشتغال می تواند تأثیر ارزنده در مسیر اصلاح زندانها داشته باشد از جمله:

- توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی مددجویان و خانواده آنان از طریق اشتغالزایی؛

- رسیدگی به سلامت روان در جهت اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم؛

- پیشگیری از آسیبهای اجتماعی خانواده مددجویان؛

- پوشش کامل متقاضیان و نیازمندان طرح های اشتغالزایی؛

- افزایش درآمد و تأمین معیشت مددجویان؛

- افزایش درآمد و تأمین معیشت خانواده مددجویان؛

- کاهش آسیبهای اجتماعی مبتلابه مددجویان و خانواده ایشان؛

- کاهش نرخ بازگشت به زندان؛

کاهش تعداد آمار مددجویان

محورهای عملی اشتغال و مهارت آموزی

ایجاد اشتغال پایدار برای زندانیان و خانواده ایشان در توفیق فعالیتهای اصلاحی و تربیتی، اجتماع پذیری مددجویان و کاهش نرخ بازگشت آنان از یک طرف و تأمین معیشت فرد زندانی و خانواده ایشان و کاهش آسیبهای اجتماعی مبتلابه خانواده زندانی تأثیر بسیار چشمگیری دارد با توجه به اطلاعاتی که از زندان مرکزی گیلان (لاکان) (برنامه اشتغال مددجویان، ۱۴۰۱: ۳۴) به دست آمد.

بحث نهایی

حقوق زندانیان به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از نظام حقوق بشر، یکی از شاخصهای مهم رعایت کرامت انسانی و اصول عدالت در جوامع مدرن محسوب می شود. زندانیان، فارغ از جرم یا اتهام وارده، دارای حقوق بنیادینی هستند که رعایت آنها نه تنها تعهد اخلاقی بلکه الزام قانونی کشورها و نهادهای بین المللی است. این حقوق در اسناد بین المللی متعددی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و قواعد استاندارد حداقل ملل متحد برای بازداشت شدگان (قواعد ماندلا، ۲۰۱۵) تبیین شده اند. این اسناد بر حفظ کرامت ذاتی زندانیان، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز، دسترسی به عدالت عادلانه، حق مراقبت های پزشکی، تغذیه مناسب، و شرایط انسانی نگهداری تأکید می ورزند.

مطالعات نشان می دهد که نقض حقوق زندانیان نه تنها بر سلامت جسمی و روانی آنان تأثیر منفی می گذارد، بلکه منجر به افزایش بحران های اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی و انتظامی می شود. از جمله مهم ترین چالش ها در این حوزه می توان به مواردی مانند نگهداری در شرایط غیربهداشتی، استفاده از شکنجه یا بازجویی های خشن، محرومیت از دسترسی به وکیل و خانواده، و بازداشت های خودسرانه اشاره کرد. این موارد به وضوح نشان دهنده شکاف عمیق بین اصول اعلام شده در حقوق بین الملل و وضعیت واقعی زندان ها در بسیاری از کشورهاست.

بر اساس اسناد فراملی از جمله منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر قواعد نلسون ماندلا برای رفتار با زندانیان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان اسناد بین المللی حقوق بشر و سایر معاهدات و کنوانسیون های بین المللی و نیز اسناد داخلی از جمله قانون اساسی سند تحول قوه قضائیه، آیین نامه سازمان زندانها حقوق بنیادی زندانیان شامل کرامت مداری سلامت (بهداشت و درمان)، آموزشهای پایه محور، حق زندگی و برخورداری از احترام به حیثیت فردی، محفوظ ماندن از اعمال شکنجه و سوء رفتار، حق آزادی اندیشه حق احترام به زندگی خانوادگی، حق تأمین نیازهایی اولیه و برخورداری از خوراک، پوشاک و مسکن و اشتغال همچنین حق برخورداری از اجرای عادلانه قانون، حق برکنار بودن از هر نوع تبعیض با توجه به این واقعیت که زندانها و رژیم های زندان براساس نیازهای اکثریت مردان زندانی پدید می آید از جمله حقوق بشرگرایانه است که در صورت اجرای کامل و دقیق آن میتواند تضمین کننده حقوق بشرگرایانه برای زندانیان باشد. افزون بر این زنان با توجه به تعداد اندکشان غالباً در زندانهای دور از محل سکونتشان میشوند که این امر مانع از حفظ پیوند با فرزندان و بستگانشان است، به ویژه آنکه تأثیر زیانباری بر سلامت روانی و یکپارچگی مجدد اجتماعی آنها دارد به نظر میرسد اقدامات بشرگرایانه برای زنان بزه کار شامل اقدامات بهداشتی، ویژه برنامه مناسب برای مادران از جمله تغذیه مناسب مادران باردار و شیرده و مشاوره های روانشناسی و روان پزشکی در زندانها به صورت مناسب اجرا و عمل نمی شود اگر این اصول رعایت شود و در تمامی شئون مواجهه با زندانیان مورد توجه قرار گیرد، عمده مخاطرات و آسیبهایی که از این ناحیه بر محکومان به حبس یا بر چهره دستگاه قضائی تحمیل میشود برطرف شده و هر دو طرف ضمن وقوف بر وظایف و حقوق خود، میدانند که نباید تخطی از این اصول صورت پذیرد همچنین ایجاد اشتغال پایدار برای زندانیان و خانواده ایشان، در توفیق فعالیتهای اصلاحی و تربیتی اجتماع پذیری مددجویان و کاهش نرخ بازگشت آنان و تأمین معیشت فرد زندانی و خانواده ایشان و کاهش آسیبهای اجتماعی مبتلا به خانواده زندانی تأثیر بسیار چشمگیری دارد. با توجه به طرح برنامه اشتغال مددجویان که اخیراً در حال اجراست و با توجه به آمارهایی که سازمان زندانها در سال ۱۴۰۰ داده است؛ به طور میانگین سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر به زندانها وارد و خارج میشوند عموم این افراد دارای خانواده، فرزند و اقوام هستند که در واقع تعداد زیادی از افراد جامعه با معضل حبس مواجه هستند و عدم تأمین معیشت آنها، آسیبهای اجتماعی حادی را به همراه خواهد داشت. اشتغال در هر وضعیتی چه خارج از زندان چه داخل زندان چه در حالتی که فرد دارای سابقه کیفری باشد یا نباشد، آثار اصلاحی و تربیتی فراوانی را به همراه دارد و موجبات عزت نفس و تمرکز بر امور خود و خانواده و رشد و بالندگی آنها خواهد بود و غالباً افرادی که دارای شغل هستند کمتر مرتکب بزه میشوند. لیکن بیکاری و نداشتن شغل نوعاً موجبات ارتکاب جرم را به همراه دارد و آثار نامطلوبی در فرد و خانواده وی را به همراه خواهد داشت. همچنین اوقات فراغت و بیکاری به طور قطع زمینه ساز و موجب بروز اختلال روانی و رفتاری میشود روانشناسان زندان به زندانیان کمک میکنند تا با زندگی در زندان سازگار شوند زندان تنها برای تنبیه مجرمین نیست در بسیاری از موارد زندان به منزله توان بخشی به افراد نیز هست بسیاری از افراد درون زندان به جامعه باز خواهند گشت. روان شناسان به زندانیان کمک میکنند تا خود را برای بازگشت به جامعه آماده کنند. روانشناسان زندان با فراهم کردن خدمات سلامت روانی میتوانند به زندانیان به خصوص زنان زندانی که به علت تعداد اندکشان غالباً با تبعیض مواجه میشوند کمک کنند تا با موضوعاتی مانند مدیریت خشم اعتیاد یا سایر مواردی که به فعالیت مجرمانه آنها منجر شده است، کنار آیند. لذا در این مقاله به اثر بنیادی مدیریت و اداره زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان اعم از زن و مرد و تأکید بر استفاده از رویکردهای ارفاقی و تنبیهی بشرگرایانه در جهت اصلاح و درمان این قشر پرتعداد و عظیم از جامعه و لزوم برنامه ریزی جامع برای بازگرداندن صحیح آنان به اجتماع برای تجربه زندگی بدون مخاطره و محرومیت نمایانگر اهمیت این مقاله با توجه به وسعت تعداد زندانیان جامعه

است که تضمین های لازم برای مدیران و کارکنان سازمان زندانها میتواند شامل اقدامات تشویقی و ارتقایی اقدامات تنبیهی و انضباطی باشد.

با توجه به تحقیق به عمل آمده پیشنهاد می شود:

۱. ضروری است سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، برنامه آموزشی مدون و جامعی در خصوص اسناد فراملی و قوانین و مقررات داخلی کشور از جمله سند تحول قضائی قوانین شکلی و ماهوی آیین نامه سازمان زندانها را که به حقوق بنیادین و ارفاقی زندانیان توجه شده است در برنامه های مدیران و کارکنان زندانهای کشور قرار دهد؛
۲. سرعت بخشیدن به برنامه اشتغال فراگیر پایدار با دریافت دستمزد مناسب؛
۳. طراحی و اجرای برنامه هوشمندسازی پایش سلامت زندانیان؛
۴. در راستای ارتقای علمی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور امکان مطالعات جرم شناسی روان شناسی جامعه شناسی آمار جنایی را برای مجامع دانشگاهی و پژوهشگران فراهم کند؛
۵. ضروری است سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت سمن ها نهادها و مجامع خیریه در راستای برنامه های اشتغال سلامت و حمایت از خانواده زندانیان بهره گیرد.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۲). **حقوق جزای عمومی**، جلد ۲. تهران: میزان.
۲. الوائلی، احمد (۱۳۸۴). **احکام السجون** (ترجمه محمدحسن بکایی، تحت عنوان: احکام زندان در اسلام). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مواد ۲۴، ۶۸۳، ۶۴۱.
۴. باقرزاده، رضا، حسن آشکاران و حسین عباسیان. (۱۳۸۲). «خودزنی - آسیب‌شناسی زندان یا زندانی»، مجله انجمن مددکاران اجتماعی، شماره ۶۸.
۵. باقری، لیلا و نرگس سرشار. (۱۳۹۴). «زنان زندانی و مشکلات بهداشتی آنان در زندان»، پنجمین همایش منطقه‌ای زن ایرانی و پژوهش، سبزوار، rciwr05_018.
۶. بولک، برنار. (۱۳۴۵). **کیفرشناسی** (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۷. بیدار، زهرا و غلامعلی قاسمی. (۱۳۹۹). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه حق بر سلامت»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۵۲.
۸. بیگی، جمال و مهرداد تیموری. (۱۴۰۴). «نقد و بررسی لایحه حق تحصیل محکومان در پرتو اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳.
۹. تیموری، مهرداد. (۱۴۰۱). «سیاست جنایی ایران در قبال نقض حق بر سلامت زندانیان با تکیه بر اسناد بین‌المللی»، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۱۰. تیموری، مهرداد. (۱۳۹۱). «حق آموزش زندانیان و چالش‌های فراوری آن در ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۱۱. تیموری، مهرداد، جمال بیگی و فاطمه احدی. (۱۴۰۴ الف). «چالش‌های فراوری حق بر سلامت زندانیان در پاندمی کرونا و مکانیسم‌های مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۵۱.
۱۲. تیموری، مهرداد، جمال بیگی و فاطمه احدی. (۱۴۰۴ ب). «حبس‌زدایی سلامت‌محور؛ برآیند سلامت و عدالت در رویکرد نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۷۱.
۱۳. داودیان، احسان (۱۳۹۵). **حقوق زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی**. تهران: مجد.
۱۴. راسخ، محمد. (۱۴۰۴). «مبانی و نظام حقوق سلامت عمومی در وضعیت اضطراری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۵.
۱۵. سم ووتر (۱۴۰۴). **نامه‌های زندان نلسون ماندلا** (ترجمه اکرم ورشوچی فرد). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۱۶. شاملو، سعید. (۱۳۴۵). **بهداشت روانی**. تهران: انتشارات رشد.
۱۷. شمس، علی (۱۳۴۲). **حقوق زندانیان در مقررات داخلی و بین‌المللی**. تهران: راه تربیت.
۱۸. شمس، علی. (۱۳۴۲). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان**. تهران: راه تربیت.
۱۹. شمس، علی. (۱۳۹۲). **آسیب‌شناسی زندان**. تهران: جامعه‌شناسان.
20. A WHO Guide to the essentials in Prison health” (2007), **WHO Europe, op.cit.**
21. Basic Principles for the Treatment of Prisoners Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 45/111 of 14 December 1990.

22. Duff, A., & D. Garland (1990), **A reader on punishment**, oxford press, Desember.
23. health, P. H. (2005), Report of the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental, Commission on Human Rights, Sixty-first Session, Economic, Social and
24. Cultural Rights, UN Doc. E/CN.4/2005/51, 11 February.
25. Moller, L., H. Stover, R. Jurgens, A. Gatherer, & H. Nikogosian (eds.) (2007), “Health in Prisons, A WHO guide to the essentials in prison health”, **The World Health Organization Europe**.
26. **Report de commission canadienne sur la determination de la peine** (1987),
27. Women in Prison: a Commentary on the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, **op.cit**